

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت ۲۴ عیار

اعمال اساسی تربیت کودکی برای والدین

نویسندگان:

میلاد مرادی

محمدحسن احمدی

(روانشناس و مشاور خانواده)

سرشناسنامه: احمدی، محمدحسن، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدید آوردندگان: تربیت ۲۴ عیار «اصول اساسی تربیت کودک برای والدین» / نویسندگان محمدحسن احمدی،
میلاد مرادی.

مشخصات نشر: کرج: سیادت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۵۴ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۳۳-۳۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فبا

یادداشت: کتابنا.

موضوع: تربیت - وادگی

موضوع: والدین و کودک

موضوع: رفتار والدین

شناسه افزوده: مرادی، میلاد، ۱۳۷۰

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۴۳ الف/۱۹ H

رده بنده دیدویی: ۶۴۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۹۵۴۰۵

۰۲۶۴۵۳۶۲۴۱۲-۰۹۱۰۶۷۰۶۳۵-۰۹۱۹۴۶۱۴۵۰۸

Siafat.nahr@yahoo.com

تربیت ۲۴ عیار

« اصول اساسی تربیت کودک برای والدین »

تالیف: محمدحسن احمدی، میلاد مرادی



وابسته به انجمن علمی - آموزشی زبان و ادبیات عرب

چاپ: اول پاییز ۱۳۹۴

ویرایش: زهرا شقاقی

صفحه آرای: ناشر

ناظر فنی چاپ: ناشر

شمارگان: ۱۰۰۰

حق هر گونه چاپ و انتشار محفوظ است.

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار.....
۱۴	خانواده و تاثیر آن بر فرزندان.....
۱۹	اصول تربیت سازنده در فرزندان.....
۲۵	مهارت ترویج رفتار مطلوب در کودکان.....
۲۸	کودک با فرمان واحد تربیت کنید.....
۳۱	مقایسه او با دیگران.....
۳۵	مقابله با لجبازی های کودکان.....
۳۶	نشانه های طبیعی رفتار کودکان.....
۴۰	محرکی برای هوش کودکان.....
۴۴	عدالت والدین نسبت به فرزندان.....
۴۹	خط و مرزهایی برای آزادی.....
۵۲	لوس مثل بچه من.....
۵۶	اصول صحیح حرف زدن با کودک.....
۶۱	من دروغ میگویم تو دروغ نگو.....
۶۶	محبت زیاد، محدودیت به میزان لازم.....
۶۹	با پرخاشگری کودکم چه کنم؟.....
۷۲	تایید کنیم یا قاطع باشیم؟.....
۷۵	آموزش اراده، دیگران و عشق.....
۷۸	چم و خم های آموزش دینی.....
۸۲	تنبيه به شیوه ی اصولی.....

- ۸۷..... آموزش عشق و نفرت.....
- ۹۱..... عوامل موثر بر بدزبانی کودک.....
- ۹۴..... کمک کنید تا حسادت نکنند.....
- ۹۷..... مسئولیت پذیری از کودکی.....
- ۱۰۲..... یک عدد مامان احتیاج داریم.....
- ۱۰۴..... تربیت جنس به هست و چه نیست؟.....
- ۱۰۷..... نقش پدر در تربیت جنسی کودک.....
- ۱۱۱..... برهنگی کودک در زمان بازی.....
- ۱۱۴..... خاله بازی که به دکتر بازرس می شود.....
- ۱۱۷..... آموزش مردانگی، زنانگی.....
- ۱۱۹..... خوابیدن کنار مامان و بابا.....
- ۱۲۳..... از خود انتقادی تا انتقاد پذیری.....
- ۱۲۷..... انحصار طلبی کودکان.....
- ۱۳۱..... خریدن اونم با بچه ها.....
- ۱۳۳..... باجگیران کوچک.....
- ۱۳۶..... چگونه کودک را با زبان دوم مواجه کنیم.....
- ۱۴۰..... ده قانون اصلی تربیت.....
- ۱۴۳..... مشکلات رفتاری شایع کودکان و راهکارهای تربیتی.....
- ۱۵۴..... منابع و مآخذ.....

پیشگفتار مؤلف

تمامی کودکان جهان از لحظه شروع زندگی و در طی مراحل بزرگ شدن خود دارای الگوی رشد همانندی هستند. آنها نمادهای انواع متفاوت جوامع انسانی و فرهنگ های گوناگون نیز هستند. کودکان ضمن رشد، به تدریج رفتار، اندیشه ها و عقاید انسان ها و طبقه ی اجتماعی خود را فرا می گیرند و هویت فرهنگی و اجتماعی خاص خود را کسب می کنند.

کودکان تقریباً یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند. اگر ما نوجوانان تا شانزده سال بسیاری از کشورها، در حال صنعتی شدن، مانند کشورمان ایران را نیز کودک به حساب آوریم، آنها تقریباً نیمی از جمعیت جهان هستند؛ یعنی دو میلیارد. هیچ جامعه ای بدون کودک نیست. تفاوت های فردی در آنها نیز مانند بزرگسالان وجود دارد. کودکان از نظر روحی و جسمی در منش، شخصیت و رفتار با هم تفاوت دارند. هر یک از آن ها مظهر جدیدی از هستی است. گفته اند که: «با تولد هر کودک، جامعه انسانی تولدی دوباره می یابد». رجب میر بین کودکان سالم و خوب تربیت شده اروپایی و بچه های قحطی زده آفریقایی شباهت ها و تفاوت های زیادی وجود دارد.

هر دوی آنها دارای نیروی بالقوه ی انسانی هستند. اما یکی دارای وسایل و امکانات پیشرفت و شکوفایی استعدادها و تبدیل شدن به فردی بالغ و قوی هستند در صورتی که هستی دیگری به تار مویی بسته است و هر آن مورد هجوم قحطی، مرض، جهل و رنج قرار دارد. کودک از لحظه ای که به وجود می آید، در وضعیت تغییر دائمی قرار می گیرد. شرایط متغیری که تحت تاثیر عوامل مادی و ذهنی به وجود می آیند. منظور ما از عوامل مادی تمام چیزهایی است که به کودک، غذای، پوشاک، محیط طبیعی، درآمد خانواده و امکانات آموزشی مربوط می شوند و عوامل ذهنی، تمامی آنها نیست که به فرهنگ، دین، عقاید و محتوای تحصیلی و آموزشی ارتباط می یابند.

تمامی این عوامل، لازمه ی تکامل و شکل دادن به کودکان است. چگونگی تأثیر عوامل مادی در تکامل کودک کاملاً آشکار است. کودکانی که با کمبود و فقر غذایی، بدی شرایط بهداشتی، کمی درآمد خانواده و کمبود امکانات آموزشی مواجه هستند، از شادی و بی خیالی دوران کودکی محرومند.

آنها در جستجوی کار و غذا و در رقابت سخت و ظالمانه برای بقا، باید با جثه‌ی کوچک خود مانند یک بزرگسال تلاش کنند. آنها کودکان بدون کودکی و قربانیان بی‌عدالتی‌های اجتماعی هستند. هر چند نیروی زندگی در آنان قوی است و بعضی از همین کودکان هستند که بزرگسالانی شجاع می‌شوند و در تغییر جهان موثر می‌افتند.

در چگونگی نقش عوامل ذهنی در تکامل کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. عقیده‌ی کلی مسلط بر فرهنگ یک جامعه، شکل دهنده‌ی خصلت و شخصیت کودک است. اگر این عقیده بر جامعه، مسلط باشد که از این تمام با گناه آفریده شده و رانده از بهشت است و باید برای جبران گناهانش رنج ببرد و سختی‌ها را تحمل کند، آنگاه چنین نتیجه گرفته می‌شود که در ذات کودک تمایلاتی شیطانی وجود دارد که باید به تمایلات سانی تبدیل شود. در این صورت است که کودک تبدیل به شخصی می‌شود که از تصورات درونی و از احساسات و آرزوهای خود وحشت دارد و خود را موجودی وحشی تصور می‌کند که در قفسی گرفتار آمده باشد. این طریقه مکر مترادف است با آن عقیده‌ای که می‌گوید کودکان وارث تمامی خطاها و گناهان اجدادشان هستند. افراد این طرز فکر معتقدند که انسان برای رهایی از گناه و رسیدن به مقام ملکوتی، باید رنج ببرد و سختی بکوشد و از همه‌ی آسایش‌ها، خوشی‌ها و آرزوهای جهانی چشم‌پوشد.

اما اگر این عقیده بر زندگی فرهنگی یک جامعه مسلط باشد که خداوند انسان را خلق کرده است تا تاریکی‌ها و پلیدی‌ها را از جهان محو کند، در آن جامعه کودکان به عنوان الطاف خداوندی و روشنی بخش و شمشیر مبارزه با تاریکی جهل و نادانی و بی‌عدالتی و پلیدی تلقی می‌گردند. کودک بر حسب نوع توجه، آموزش و روحیه‌ای که به او مسلط است، رشد می‌کند و صاحب بینش و فکر می‌شود. او احساس قهرمان بودن را در درون «خودانگاره‌اش» پرورش می‌دهد. بنابراین، اگر این عقیده بر اذهان جامعه مسلط باشد که «انسان نماینده‌ی خدا در زمین است، از والاترین مرتبه در آفرینش برخوردار و در مقابل طبیعت و بشریت مسئول است و دارای این ظرفیت هست که به آخرین مرحله‌ی کمال عقلی تفوق یابد»، آنگاه کودک از طرف خانواده و مراکز آموزشی و جامعه به طریقی دیگر تربیت می‌شود. در او نوعی «خودانگاره» به وجود می‌آید که او را به طبیعتی که مخلوق خداوند است و حفاظت از آن علاقه مند می‌سازد و در نتیجه باعث می‌شود تسلط بر آن را حق طبیعی خود به حساب آورد.

حال اگر این عقیده که انسان اصولاً توسط غرایز به حرکت در می آید و توسط قوانین اجتماعی نظم داده می شود، عقیده ی مسلط بر حیات فرهنگی یک جامعه باشد، آن وقت این گونه فرض خواهد شد که محرک های غریزی مهمترین عامل و تعیین کننده ی رفتار کودکان و در نتیجه تصورات و قدرت اراده ی کودک کم و بیش در خدمت نیازهای غریزی، هدف ها و آرزوهای شخصی وی قرار می گیرند.

به دلیل توسعه ی صنعتی، انقلاب ها و تبادل سریع اطلاعات از طریق وسایل ارتباطی پیشرفته ی قرن ما، در شهرها، بزرگ و پایتخت ها همه ی این عقاید و فلسفه های زندگی با هم مواجه شده اند و برخورد پیدا کرده اند. این امر، هم باعث سردرگمی کودکان و نوجوانان و هم ایجاد امکان انتخاب رویه برای آنها شده است. هر چند مناطق روستایی و عشایری دور افتاده و جوامع بسته ای همچون جامعه ی روحانیون و دیگر قشرهای مذهبی کمتر زیر پوشش و تحت تاثیر وسایل ارتباطی قرار گرفته اند، اما آنها نیز بر رشد همه جانبه ی عقل کودکان خود تسلط کامل ندارند. در این جا بد نیست بدانیم که رشته های مختلف علوم به سبب «سازجام»، کودک کیست؟ چگونه پاسخ داده اند.

توجه فیزیولوژیست ها و زیست شناسان، سوفیه به اندام، ساختمان سلولی و الگوهای است که کودک منطبق با آن ها رشد می کند، سوخت و ساز و متعادل می سازد و بدن خود را کنترل می کند. برای آنها کودک معمای از طبیعت است که باید آن را کشف کرد. مطالعه ی روانشناسان درباره ی چگونگی و روند رشد و آهنگ و مطابقت تغییرات رشد ذهن، جسمی و شکل گیری منش و شخصیت و واکنش های هیجانی و عادات و رفتار کودکان متمرکز است. آن ها سعی می کنند که دلایل بعضی از رفتارهای غیرعادی بزرگسالان را در رابطه با دوران کودکی آن ها بیابند. نظریه های روانکاوانه بسازند و با آنها رفتارهای کودکان را تفسیر نمایند. سعی آنها در این است که مریان را با یافته های خود، یاری دهند. اما بد نیست بدانید که یافته های آنان به طرق گوناگون مورد استفاده و سودجویی وسایل ارتباط جمعی قرار گرفته است. برای روان شناسان، کودک دریچه ای برای کشف ذهن انسان و درک چگونگی آموزش پذیری آن است.